

فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه ی اصلی وب سایت مجله:
www.jqe.scu.ac.ir
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۴۲۷۱
شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸

اندازه‌گیری شاخص‌های فقر چندبعدی در استان خوزستان با استفاده از تعدیل روش آلکایر - فوستر و با در نظر گرفتن ابعاد اشتغال و مسکن

یعقوب اندایش*، سید مرتضی افقه **، فروزان حسن زاده***

** استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)*

*** دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.*

**** دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران*

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: *۱۹ فروردین ۱۴۰۰*
تاریخ بازنگری: *۲۴ تیر ۱۴۰۰*
تاریخ پذیرش: *۲۶ شهریور ۱۴۰۰*

طبقه‌بندی JEL: *I3, D63, O1, H1, P46*

واژگان کلیدی:
فقر چند بعدی، آلکایر فوستر، اشتغال، مسکن، خوزستان

ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:
ایمیل andayesh230@scu.ac.ir
0000-0002-0844-3557

آدرس پستی: *ایران، اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید شهید چمران، اهواز*

اطلاعات تکمیلی:
این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم حسن زاده به راهنمایی دکتر اندایش و دکتر افقه در دانشگاه شهید چمران اهواز است.

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.
تضاد منافع: نویسنده‌ها مقاله اعلام می‌کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافعی وجود ندارد.
منابع مالی: این مقاله بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد است که از طریق گرنت شماره SCU.EE1399.181 توسط معاونت پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز حمایت مالی شده است.

چکیده

فقر چند بعدی بر خلاف فقر تک بعدی یا درآمدی، با تکیه بر قابلیت‌ها، محرومیت را در ابعاد مورد نیاز خانوارها اندازه گیری می‌کند. آلکایر و فوستر فقر چند بعدی را در سه بعد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی محاسبه نمودند و پس از آن، پژوهشگران با الهام از این رویکرد، متناسب با مهمترین نیازها و محرومیت‌های خود ابعادی را در نظر گرفته اند. پژوهش حاضر با تبعیت از روش آلکایر و فوستر و تعدیل آن، ابعاد سلامت، آموزش، مسکن، اشتغال و استانداردهای زندگی را با هدف اندازه‌گیری شاخص فقر چندبعدی در استان خوزستان برای سال‌ها ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ مورد استفاده قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است اندازه فقر چند بعدی در استان خوزستان در دو سال مورد بررسی به ترتیب ۲۵ و ۲۸ درصد است که از متوسط کشوری بالاتر و شدت فقر ۳۴٫۴ و ۳۴٫۷ درصد است. بیشترین محرومیت به ترتیب در ابعاد اشتغال، سلامت، مسکن، استانداردهای زندگی و آموزش است.

ارجاع به مقاله:

اندایش، یعقوب.، افقه، سید مرتضی و حسن زاده، فروزان. (۱۴۰۴). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر چندبعدی در استان خوزستان با استفاده از تعدیل روش آلکایر - فوستر و با در نظر گرفتن ابعاد اشتغال و مسکن. *فصلنامه ی اقتصاد مقداری (بررسی های اقتصادی سابق)*، ۲۲ (۱)، ۲۵-۱.

10.22055/jqe.2021.37099.2358

© 2025 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

۱- مقدمه

فقر یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری و نشانه بارز توسعه‌نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت روانی را در اقشار مختلف جامعه به خطر می‌اندازد. فقر یکی از پیچیده‌ترین مسائل اقتصادی است که حل آن نیازمند شناخت عمیق و دقیق آن است (salem, 2018). براساس گزارش اهداف توسعه هزاره در سال ۲۰۰۰ قرار شد، فقر شدید جهانی تا سال ۲۰۱۵ به نصف کاهش یابد، اما همچنان افراد زیادی همچنان فقیر هستند. لذا مبارزه با فقر امروزه مورد توجه زیادی قرار گرفته است و در این زمینه تلاش‌های زیادی انجام گرفته است. فقدان آموزش، بهداشت، مسکن، توانمندسازی، اشتغال، امنیت شخصی و ... می‌تواند منجر به فقر شود. از طرفی فقر علاوه بر روند و سطح درآمد به شدت با روندهای اساسی دیگر مانند مرگ و میر کودکان، میزان حضور در مدارس ابتدایی، سوء تغذیه ارتباط دارد. فقر پدیده‌ای است چند وجهی که بررسی

و تحلیل کلیه وجوه و ابعاد آن، لازمه شناخت دقیق است. روش آلکایر و فوستر از جمله روش‌های سنجش فقر چندبعدی است که محرومیت شدید در ابعاد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی را شامل می‌شود و به‌طورکلی مولفه‌های سازنده آن نماینده وجود رفاه در خانوار محسوب می‌شوند (Alkire & Foster, 2011).

با توجه به اهمیت بررسی میزان و شدت فقر، در این تحقیق علاوه‌بر مولفه‌های آلکایر و فوستر، دو مولفه اشتغال و مسکن نیز مدنظر قرار گرفته است و الگوی آلکایر و فوستر تعدیل شده است.

به رغم آن که استان خوزستان رتبه دوم تولید ناخالص را بین استان‌های کشور دارد، اما مطالعات فقر تک بعدی حکایت از فقر بالاتر از ۳۶ درصد و با نوسانات زیاد در این استان دارد (Afghah & Ghanavatifar, 2011). به همین دلیل ضروری است که فقر چند بعدی بر اساس ابعادی که خانوارهای خوزستانی، محرومیت عمده در آن دارند، محاسبه گردد تا از این دیدگاه نیز با متوسط کشوری مقایسه شود. لذا در این پژوهش، با تکیه بر رویکرد آلکایر فوستر و تعدیل آن با توجه به مشکلات اقتصادی خانوارهای استان، شاخص فقرچندبعدی[1] در استان خوزستان در دو دوره ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ مورد محاسبه و تحلیل قرار گرفته است.

بدین جهت در ادامه پس از مبانی نظری و تاریخچه فقر و فقر چند بعدی به ذکر مطالعات تجربی در این زمینه پرداخته می شود و سپس ابعاد و مولفه‌های در نظر گرفته شده و روش محاسبه شاخص فقر چند بعدی بیان می‌شود. در قسمت بعدی یافته‌های فقر چند بعدی در نسبت سرشمار، شدت فقر و شاخص فقر چند بعدی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و سرانجام به بحث و نتیجه گیری پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری

یکی از دلایل استفاده از شاخص چند بعدی فقر این است که یک شاخص نمی‌تواند جنبه‌های متعدد فقر، توانمندسازی و رفاه را بیان کند و برای تجزیه و تحلیل سیاست و پیگیری‌های متعدد و ارتباطات تنگاتنگ با مردم فقیر، در نظر گرفتن ابعاد گوناگون فقر ضروری است. اگر بخواهیم مروری بر نظریات فقر تک بعدی تا چند بعدی داشته باشیم، می توان گفت که اولین مطالعات در زمینه تعیین خط فقر درآمدی توسط روانتری (۱۹۰۱)

[1] Multidimensional Poverty Index (MPI)

شکل گرفت. روانتری خانواده‌ای را فقیر می‌نامد که درآمد کل آن خانواده برای به دست آوردن حداقل ضروریات برای حفظ کارایی فیزیکی کافی نباشد (Rowntree, 1902). بارکر نیز فقر را به عنوان حالتی از کمبود منابع پولی و کمبود در تامین نیازهای اساسی تعریف کرد (Barker, 1905). در مطالعات تونسن (۱۹۷۹) و سیترو و میکاییل (۱۹۹۵) رویکرد تک بعدی درآمد نقد شده است. در نقد آنها ذکر شد که درآمد به تنهایی برای توصیف وضعیت فقر کافی نیست. بعضی از خانوارها می‌توانند درآمد خود را به مراتب بهتر از بقیه خرج کنند و رفاه بالاتری کسب کنند. برخی خانوارهای با درآمد پایین تر، به زیر ساخت ها و امکانات عمومی دسترسی دارند و به نسبت وضعیت معیشتی بهتری نسبت به خانوارهایی دارند که با درآمد یکسان ولی دسترسی پایینی به امکانات دارند. همچنین شاخص قیمت ها، تفاوت قابل توجهی در بین مناطق درون یک کشور، یا بین شهر و حومه دارد و موجب می شود درآمد های یکسان سطح رفاه برابری نداشته باشند. بوت و روانتری برای اینکه محدودیت فقر تک بعدی را تا حدودی برطرف کنند و به این نقدها پاسخ دهند، تلاش کردند که بین فقر مطلق و نسبي در بعد درآمدی تمایز ایجاد کنند (Michael & Citro, 1995; Townsend, 1979).

در دهه ۱۹۷۰ برای اینکه بتوانند جوانب دیگری از فقر را نیز ارائه دهند، رویکردی جایگزین، توسط گوهارت و همکاران (۱۹۷۷) و ون پراگ، گودارت و کاپتین (۱۹۸۰) ارائه شد و مقبولیت آن نسبت به رویکرد قبلی بیشتر بود. آنها استدلال کردند که فقر یک احساس است، فقر را به عینی و ذهنی دسته بندی کردند. یعنی فقر علاوه بر جنبه قابل مشاهده، جنبه ذهنی نیز دارد. قضاوت شخص از وضعیت و موقعیت خویش در جامعه معیار سنجش است که با مطالعه رفتار مصرفي شخص، سطحی از درآمد که شخص، پایین‌تر از حد آن، خود را فقیر تلقي مي‌کند، بدست مي آید و ملاک فقیر بودن یا نبودن بر اساس آن سنجیده مي‌شود (Goedhart, Halberstadt, Kapteyn, & Van Praag, 1977; B. Van Praag, Goedhart, & Kapteyn, 1980). ادبیات گسترده ای در این زمینه وجود دارد مانند: بوهمن و دیگران (۱۹۸۸)، دانزیگر (۱۹۸۴)، گارنر و شورت (۲۰۰۴)، گستفسون، شی و ستو (۲۰۰۴)، کاپتین، کوریمن و ویلیامز (۱۹۸۸)، رادهان و راوالیون (۲۰۰۰)، راوالیون و لوکشین (۲۰۰۲)، وان دن بوش (۲۰۰۱) و وان پراگ، اسپیت و وان د اشتاد (۱۹۸۲).
(Buhmann, Rainwater, Schmaus, & Smeeding, 1988; Danziger, Van der Gaag, Taussig, & Smolensky, 1984; Garner & Short, 2004;

Gustafsson, Shi, & Sato, 2004; Kapteyn, Kooreman, & Willemse, 1988; ;۲۰۰۲ ,Pradhan & Ravallion, 2000; Ravallion, 1998; Ravallion & Lokshin .(Van den Bosch, 2017; B. M. Van Praag, Spit, & Van de Stadt, 1982

رویکرد دیگری از تحقیقات در بررسی رفاه و فقر خانوار هم شکل گرفت؛ به طوریکه عنوان می‌کردند رفاه خانوار منحصراً به درآمد پولی بستگی ندارد، بلکه به عنوان مثال به فراغت و سلامتی نیز بستگی دارد. در این رابطه می‌توان به کیس و دیتون (۲۰۰۲)، دویچ و سیلبر (۲۰۰۵) و اسلوتجه (۱۹۹۱) اشاره کرد. آنها تأکید می‌کنند که فقر پدیده‌ای چند بعدی است و درآمد در ارزیابی این مفهوم بسیار گسترده، به تنهایی نمی‌تواند نقش داشته باشد (Case & Deaton, 2003; Deutsch & Silber, 2005; Slottje, 1991). شاید بتوان گفت آنها تحت تاثیر سن[۲] بودند. سن در سال ۱۹۸۱ فقر را به عنوان محروم بودن از قابلیت‌های اساسی و نه فقط پایین بودن درآمد (که تا آن زمان به طور معمول نشان‌دهنده فقر بود)، در نظر گرفت و مفهوم قابلیت را در سال ۱۹۸۶ در مقاله "کالاها و قابلیت‌ها" توسط وی بکارگرفته شد که نقطه آغاز این رویکرد محسوب می‌شود و منظور او از قابلیت، چیزی است که مردم واقعا قادر به انجام آن هستند. علی‌رغم نظر سن، ارزش کالاها درواقع به نقش و کارکردشان در رفع نیازهای انسان است. از دیدگاه قابلیتی، فقر به معنی نداشتن درآمد نیست بلکه به معنی محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی است. به عبارتی اساس فقر برپایه نبود قابلیت است که راه‌حل آن را باید در رشد قابلیت‌های انسان جستجو کرد. این ایده از طرفی جذاب و از طرف دیگر تعریف و اندازه‌گیری آن بسیار دشوار است .(Cohen, 1990; Deutsch & Silber, 2005)

از آن پس برخی از پژوهشگران روی بعدهای فقر عینی کار کردند مثل (Alkire et al., 2016; Alkire & Foster, 2011; Alkire et al., 2015; Asselin, 2002; Asselin & Anh, 2008; Park & Nam, 2020) و برخی دو رویکرد - یعنی عنصر ذهنی و چند بعدی - را با هم ترکیب کردند که نتیجه این مطالعات، یک مفهوم فقر چند بعدی ذهنی بود. به طور مثال (B. M. Van Praag & Frijters, 1999) از فقر چند بعدی ذهنی برای اندازه گیری خوشبختی استفاده کردند.

[2] Amartiya kumar sen

گرچه اندازه گیری خوشبختی برای رفاه توسط اقتصاددانانی مثل (Clark & Oswald, 1994) بنا نهاده شد و سپس (Blanchflower & Oswald, 2004; Frey & Stutzer, 2002; Kahneman, Diener, & Schwarz, 1999; Layard, 2011; Senik, 2003; Tella, MacCulloch, & Oswald, 2003) به رویکرد چند بعدی فقر ذهنی هم توجه کردند.

شاخص فقر چند بعدی مکمل اندازه‌گیری فقر بر پایه درآمد است و تصویری کامل تر از فقر افراد را ارائه می‌دهد. از طرف دیگر این روش امکان مقایسه بین کشورها و مناطق مختلف جهان را از لحاظ میزان فقر و همچنین امکان مقایسه درون کشوری بین اقوام و مناطق مختلف و خانوارهای روستایی یا شهری را فراهم می‌آورد. از فقر چند بعدی می‌توان برای ایجاد تصویری جامع‌تر از فقر در جامعه استفاده کرد. این شاخص میزان محرومیت خانوارها را در ابعاد مختلف و نیز میزان و شدت فقر در جامعه مورد مطالعه را ارزیابی می‌کند (Alkire & Foster, 2011). در روش آلکایر و فوستر افراد به این دلیل در وضعیت فقر باقی می‌مانند که در چند بعد محروم باشند. محرومیت در این ابعاد موجب عدم توسعه سرمایه انسانی و در نهایت عدم مشارکت این افراد در فرایند توسعه می‌شود. از مزیت‌های دیگر این روش این است که می‌تواند طیف وسیعی از ابعاد، شاخص‌ها، آستانه‌ها و وزن‌ها را به عنوان شاخص ایجاد و استفاده کند. همچنین با محاسبه گستره فقر با این روش، اقدامات و سیاست‌های کاهش فقر مستقیما می‌توانند ابعاد محرومیت‌ها را هدف قرار داده و فقر را کاهش دهد.

بنابراین محققان مختلف ابعاد متعددی برای فقر در نظر گرفتند و در این میان، روش آلکایر و فوستر (۲۰۱۱) مورد توجه بسیاری از کشورها و نهادهای بین‌المللی، برای اندازه‌گیری فقر چند بعدی قرار گرفت. این رویکرد فقرا را با استفاده از آستانه‌های فقر و محرومیت شناسایی می‌کند که دارای سه بعد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی است و هر بعد شامل چند معیار است. بعد آموزش، دارای معیارهای سال‌های مدرسه و حضور کودک در مدرسه است. بعد سلامت، دارای معیارهای مرگ و میر کودکان و تغذیه و بعد استانداردهای زندگی شامل معیارهای دسترسی به آب آشامیدنی سالم، سوخت برای پخت و پز، دفع بهداشتی فاضلاب و ... است. با توجه به این رویکرد، یک فرد زمانی از نظر تغذیه محروم است که یکی از اعضای خانواده‌ی او دارای سوءتغذیه باشند به همین منظور برای کودکان از شاخص وزن در برابر سن و برای بزرگسالان از شاخص توده بدن استفاده می‌شود.

بعد دیگر سلامت، فوت کودک است در صورتی که حداقل یک کودک در خانواده فوت کرده باشد همه اعضای خانواده محروم هستند. در بعد آموزش اگر در هر خانوار حداقل یک نفر دارای ۵ سال تحصیل باشد تمام اعضای خانواده غیر محروم هستند. در معیار حضور کودک در مدرسه کودکانی که در سن مدرسه قرار دارند می‌بایست در کلاس‌های اول تا ششم در مدرسه حضور یابند در نتیجه اگر کودکی به مدرسه نرفته باشد تمام اعضای خانواده محروم در نظر گرفته می‌شود. در بعد استانداردهای زندگی در صورتی که خانوار در دو یا چند شاخص از شاخص‌هایی مانند امکانات بهداشتی، آب آشامیدنی سالم، دارایی مانند اتومبیل و همچنین نوع سوخت برای پخت و پز محروم باشد دارای فقر در بعد استانداردهای زندگی است. ابعاد و مولفه‌های مربوط به هر بعد در رویکرد آلکایر فوستر در **جدول ۱** گزارش شده است.

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های روش آلکایر و فوستر
مأخذ: آلکایر و فوستر (۲۰۱۱)

Table 1. Dimensions and Components of the Alcaire and Foster Method
Source: (Alkire & Foster, 2011)

بعد	مؤلفه	وزن
آموزش	۱. سال‌های تحصیل در مدرسه: درصورتی‌که هیچ‌یک از اعضای خانواده تحصیل نکرده یا کمتر از ۵ سال تحصیل کرده باشند.	۱/۶
	۲. حضور کودک در مدرسه: اگر حداقل ۱ کودک در سالهای اول تا هشتم در مدرسه حضور نداشته باشند آن خانواده محروم در نظر گرفته می‌شود.	۱/۶
سلامت	۱. میزان مرگ و میر کودکان:در صورتی است که حداقل در خانواده‌ای یک کودک فوت شده باشد.	۱/۶
	۲. وضعیت تغذیه خانواده: در صورتی است که ۱ عضو از خانواده سوتغذیه داشته باشد که برای این منظور و بررسی سوءتغذیه در کودکان از شاخص وزن کودک نسبت به سن آن و در بزرگسالان از شاخص توده بدن استفاده می‌شود.	۱/۶
استانداردهای زندگی	۱. برق: در صورتی که خانواده از برق بهره‌مند نباشد.	۱/۱۸
	۲. دفع فاضلاب: اگر خانواده از امکانات دفع فاضلاب بهره‌مند نباشد.	۱/۱۸
	۳. آب آشامیدنی: در صورتی‌که به آب آشامیدنی بهره‌مند نباشد.	۱/۱۸
	۴. کف‌پوش خانه: اگر کف خانه و محل سکونت هر خانواده از موادی مانند: خاک،کود، شن یا ماسه باشد.	۱/۱۸
	۵.سوخت پخت‌وپز: اگر خانواده‌ای برای پخت و پز خود از کود، چوب یا زغال سنگ استفاده کند.	۱/۱۸

	۶. مالکیت کالای بادوام: اگر خانواده‌ای از یکی از کالاهای بادوام مانند تلویزیون، یخچال، تلفن و وسیله حمل و نقل (دوچرخه یا موتور سیکلت یا خودرو) بهره‌مند نباشد.	۱/۱۸

۳- مروری بر مطالعات تجربی

در سال‌های اخیر، ادبیات اندازه‌گیری فقر چند بعدی در جنبه‌های مختلفی تکمیل شده است. گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۷ و گزارش توسعه جهانی به وضوح فقر را به عنوان یک پدیده چند بعدی معرفی می‌کند. این پدیده همراه با پیشرفت در تکنیک‌ها و افزایش تقاضا به درک فقر و سیاست‌های اجتماعی و ایجاد یک چارچوب منحصر به فرد برای اجرای این نوع اقدامات کمک کرده است. از جمله دلایل استفاده از شاخص فقر چند بعدی این است که تنها یک شاخص نمی‌تواند جنبه‌های متعدد فقر، توانمندسازی و رفاه را بیان کند و برای تجزیه و تحلیل سیاست و پیگیری‌های متعدد و ارتباطات تنگاتنگ با مردم فقیر، در نظر گرفتن ابعاد گوناگون فقر ضروری است و همانطور که در قسمت قبلی ذکر شد پژوهشگران مختلف برای بومی سازی اندازه گیری فقر چند بعدی، ابعادی که در یک کشور یا منطقه از اهمیت خاصی در فقر برخوردار است به ابعاد فقر چند بعدی افزوده اند.

موسسه فقر و توسعه انسانی آکسفورد (۲۰۱۶) ده بعد را در نظر می‌گیرد که در بین آنها اشتغال و مسکن نیز قید شده است. فیوبی کامن و کیوپی (۲۰۱۷) غیر از سه مولفه‌ای که آلکایر فوستر در شکل استاندارد در نظر گرفته اند ابعاد اشتغال و تبعیض جنسیتی را هم گنجانده اند (Kuepie & Pamen, 2017; UN, 2016).

در ایران هم مطالعات دانشگاهی برای بررسی فقر چندبعدی در کل کشور و همچنین برخی استان‌ها سال‌های مختلف انجام شده است که با توجه به رویکرد مورد استفاده، نتایج هم متفاوت بوده است که می‌توان به مطالعات راغفر و همکاران (۱۳۹۲)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۲)، موسوی و همکاران (۱۳۹۶)، جواهری و همکاران (۱۳۹۳)، فطرس و قدسی (۱۳۹۶)، خلج و یوسفی (۱۳۹۳)، جلالی (۱۳۹۸)، نصرت آبادی و همکاران (۱۳۹۵) و منصوری (۱۴۰۳) اشاره کرد که دو مورد از آنها فقر چند بعدی کودک و یک مورد در سطح شهر تهران مطالعه شده است (fotros & ghodsi, 2017; Jafari, Momeni, Shakeri, & Raghfar, 2022; Javaheri, Hataminejad, Ziari, & Pour Ahmad, 2014; Khalaj & Yousefi, 2015; Mansouri, 2024; Raghfar, Mohammadifard, & Sangari mohazab, 2013; Yousefi, Asadi-Khoob, & Afshari, 2013).

استان خوزستان، استانی دارای منابع غنی نفت و گاز بوده ولی علی‌رغم وجود چنین منابعی، تاکنون تحقیق درمورد فقر چندبعدی در این استان صورت نگرفته است.

در گزارش‌های توسعه جهانی سال ۲۰۱۰ به بعد، شاخص فقر چند بعدی برای ۱۰۷ کشور دنیا، منتشر می‌شود. ایران بین این ۱۰۷ کشور وجود ندارد. این شاخص از سه بعد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی و با وزن‌های یکسان استفاده می‌کند. در آخرین گزارش در سال ۲۰۲۰، کشورهای اتیوپی، بورکینافاسو، چاد، سودان جنوبی و نیجر، بالاترین فقر چند بعدی بین ۶۱ تا ۷۵ درصدی را دارند. بیشتر از ۲۵ درصد جمعیت ۲۴ کشور از این ۱۰۷ کشور، دارای فقر چند بعدی هستند. حدود ۲۵ درصد جمعیت کشورهایی مثل عراق و افغانستان هم دچار فقر هستند. ۴۰ کشور محرومیت چند بعدی زیر ۱ درصدی دارند. در دسته کشورها، صحرای جنوبی آفریقا ۳۳ درصد جمعیتشان، جنوب آسیا ۱۰ درصد جمعیت، اروپا کمتر از ۱ درصد جمعیتشان دچار فقر چند بعدی هستند (UNDP, 2010).

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶) در مطالعه ای، بیان کرد که بیش از ۶۰ درصد خانوارها در سال ۱۳۷۰ دچار فقر چند بعدی بوده اند، اما در سال‌هاي مورد بررسي از ابعاد مختلف فقر كاسته شده و به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۳ براي مناطق روستايي مي‌رسد. در مناطق شهري، از حدود ۲۷ درصد در سال ۱۳۷۰ به حدود ۴۱ درصد در سال ۱۳۷۳ مي‌رسد كه بيشترين ميزان اين شاخص براي خانوارهاي شهري در طول سال‌هاي مورد بررسي است. در سال‌هاي بعد تا سال ۱۳۸۷ تقريباً روند با ثباتي داشته است، اما از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ به استثناي سال ۱۳۸۹ روندي افزايشي دارد به طوريكه اين شاخص در سال ۱۳۹۳ به حدود ۳۲ درصد رسيده است.

از آن جایی که در گزارشات سازمان های بین المللی برای ایران شاخص فقر چند بعدی محاسبه نمی گردد و خصوصا اینکه استان های مختلف کشور دچار فقر متفاوتی از نظر ابعاد مختلف هستند در این پژوهش بر آن هستیم که فقر چند بعدی را با تعدیل روش آلکایر و فوستر برای خوزستان در مقایسه با کشور محاسبه کنیم و به تحلیل آن بپردازیم. نقطه قوت این مطالعه غیر از اینکه برای اولین بار فقر چند بعدی را برای خوزستان، محاسبه می کند، این است که با بررسی ابعاد مختلف مطرح شده در مطالعات پژوهشگران و سنجش اولیه آن ابعاد برای خانوارهای استان خوزستان، دو بعد اشتغال و مسکن که در محرومیت خانوارهای این استان نقش مهمی داشتند به ابعاد فقر آلکایر و فوستر اضافه شده است و به عبارتی از شکل بومی شده آن برای استان خوزستان استفاده شده است تا بتواند جوانب

محرومیت خانوارهای این استان را بهتر منعکس نماید. لذا ابعاد اشتغال و مسکن با توجه به مطالعات فیوبی کامن و کیوپی (۲۰۱۷) و موسسه نوآور فقر و توسعه انسانی آکسفورد (۲۰۱۶) به ابعاد فقر اضافه شده است و رویکرد آلکایر و فوستر بدین گونه تعدیل شده و برای استان خوزستان در مقایسه با کشور بکار گرفته شده است تا بتواند مبنایی برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری قرار گیرد (Kuepie & Pamen, 2017; UN, 2016).

۴- مدل تحقیق و پایه های آماری

در این قسمت دو شاخص نسبت افراد فقیر و شدت فقر رویکرد آلکایر فوستر محاسبه می‌شوند، سپس در قالب مدل آلکایر فوستر و محاسبه فقر چند بعدی، روش محاسبه این دو نسبت ذکر خواهد شد.

۴-۱- شاخص نسبت افراد فقیر (سرشمار فقرا)[3]

این شاخص رایج‌ترین شاخص فقر تا سال ۱۹۷۰ بوده است. این شاخص به صورت نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه تعریف می‌شود.

$$H(X,Z)=\frac{q}{n} \qquad 0<H<1 \qquad (۱)$$

n تعداد کل افراد جامعه، q تعداد افراد فقیر، X درآمد فرد و Z درآمد روی خط فقر است. اندازه‌ی این شاخص بین صفر و یک تغییر می‌کند که صفر حالتی است که هیچ فقیری در جامعه وجود ندارد و یک حالتی است که درآمد افراد جامعه کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد، تغییر می‌کند. این شاخص حساسیتی در مقابل میزان شکاف فقر در میان افراد فقیر جامعه ندارد.

در صورتی که X<Z باشد فرد فقیر محسوب خواهد شد. اشکال عمده این شاخص، عدم بررسی میزان فاصله افراد فقیر تا خط فقر است و به افراد فقیر با درآمدهای مختلف وزن یکسانی تخصیص داده می‌شود، در صورتی که میزان فقر آن‌ها برابر نیست.

[3] Human Poverty Index

۲-۴- شاخص شدت فقر [4]

این شاخص که میانگین توان دوم شکاف‌های فقر را به صورت نسبی از خط فقر اندازه‌گیری می‌کند، میزان نابرابری درآمد میان فقرا را منعکس می‌نمایند.

$$P_2 = \frac{1}{N}\sum_{i=1}^{N}(\frac{G_i}{Z})^2 \qquad (۲)$$

Z خط فقر و G_i شکاف درآمدی فقرا با خط فقر است. از مزایای شاخص شدت فقر تجزیه‌پذیری و جمع‌پذیری است که می‌تواند درصد تغییرات را در شدت فقر به صورت حاصل جمع تغییرات درصدی در نرخ فقر، نسبت متوسط شکاف فقر و ضریب جینی نسبت‌های شکاف فقر محاسبه کرد.

۳-۴- الگوی آلکایر و فوستر

در این پژوهش، بر پایه‌ي رویکرد برنامه‌ي عمران سازمان ملل در گزارش‌هاي توسعه‌ي انساني که با استفاده از الگوی آلکایر و فوستر (۲۰۱۱) انجام یافته، این الگو در ابعاد تعدیل شده و فقر چندبعدي بررسي شده است. این روش نسبت سرشمار تعدیل شده یا M نامیده مي‌شود. مباني نظري این روش به شرح زیر است:

N تعداد افراد جامعه و d≥2 تعداد معرف‌هاي مورد نظر در شاخص فقر است $y = [y_{ij}]$. ماتریس n×d میزان دستیابي افراد جامعه به معرف‌هاي مورد نظر را نشان مي‌دهد که ماتریس بیانگر میزان دستیابي فرد i ام (i=1.....,n) در مولفه j ام (j=1.....,n) است. به عبارتي، بردار ردیفي y_i میزان کل دستیابي فرد i ام و بردار ستوني y_j میزان توزیع مولفه j ام را در بین تمام افراد ارائه مي‌کند. دامنه‌ي ماتریس دستیابي برابر با $Y = \{y \in R_+^{nd} : n \geq 1\}$ است. Zj≥0 بیانگر سطح آستانه‌ي محرومیت در مولفه j ام است؛ چنانچه سطح دستیابي فرد کمتر از این حد باشد، در این مولفه محروم در نظر گرفته مي‌شود. بردار ردیفي z سطح آستانه‌ي محرومیت‌ها را نشان مي‌دهد. روش اندازه‌گیري چندبعدي فقر از دو مرحله‌ي شناسایي و محاسبه‌ي شاخص ترکیبي تشکیل شده است (آلکایر و فوستر، ۲۰۱۱). تابع شناسایي $\rho: R_+^d \times R_{++}^d \to \{0.1\}$ با استفاده از بردار دستیابي فرد i ام $y_i \in R_+^d$ و بردار سطح آستانه z در R_{++}^d، اگر $\rho = (y_i, z) = 1$ باشد، فرد محروم تلقي مي‌شود و در غیر این شرایط، محروم نخواهد بود. به کار بستن ρ در بردار دست‌یابي هر یك از افراد، مجموعه

[4] Severity poverty index

Z ⊆ {1.....,n}از افراد محروم در y به ازاي مقادير معين z را مي‌نمايانند (Alkire & Foster, 2011).

به ازاي مقادير معين y، ماتريس $g^0 = [g^0_{gij}]$ متشكل از اعداد صفر و يك است: اگر $z_i \geq y_{ij}$، باشد، آنگاه $g^0_{ij} = 0$؛ در غير اين صورت، $g^0_{ij} = 1$ در نظر گرفته مي‌شود. به عبارتي، g^0 ماتريس n×d است كه عنصر ij ام آن در صورتي يك است كه فردi ام در مولفه j ام محروم باشد i امين بردار رديفي g^0 (كه در آن g^0_i مي‌ناميم) محروميت‌هاي فردi ام را نشان مي‌دهد. از ماتريس g^0 بردار ستوني جمع محروميت‌ها c حاصل مي‌شود كه عنصر iام آن، تعداد محروميت‌هايي را كه فردi ام دچار آن‌هاست، نشان مي‌دهد (Alkire & Foster, 2011).

جهت شناسايي فقيران، چنانچه ميزان محروميت‌هاي فرد بيش از يك حد مشخص باشد، فقير تلقي مي‌شود. به ازاي مقادير معين $K = 1 , \dots , d$، ρ_k تابع شناسايي فقيران به اين صورت تعريف مي‌شود كه $\rho_k(y_i : z) = 1$ در صورتي كه $ci \geq k$ و $\rho_k(y_i : z) = 1$ وقتي كه $ci < k$ باشد. در مرحله‌ي بعد، درصد جمعيت فقيران و شدت فقر محاسبه مي‌شود. درصد فقيران يا شاخص نسبت سرشمار $H = H(y : z)$ به صورت $H = q/n$ و= q = (y: z) $\sum_{i=1}^{n} \rho_k(y_i : z)$ تعريف مي‌شود. براي محاسبه‌ي شدت فقر، مجموع بردار محروميت‌ها c(k) را كه در آن $c_i(k) = \rho_k(y_i : z)c_i$، به دست مي‌آوريم. ميانگين شدت فقر در ميان فقيران برابر با $A = |C(K)| / (qd)$ كه شدت فقر ناميده مي‌شود. شاخص فقر چند بعدی (MPI) برابر با حاصلضرب ميزان (H) و شدت فقر (A) است (Alkire & Foster, 2011).

$$MPI = H . A$$

۴-۴- پایه های آماری

در این پژوهش جامعه آماری مورد نظر، کل خانوارهای استان خوزستان و کل خانوارهای کشور و نمونه مورد مطالعه دو درصد از خانوارهای طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارها است که توسط مرکز آمار در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. داده‌های مورد نیاز در این پژوهش از داده‌های درآمد و هزینه خانوار سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران و از نرم افزار STATA استفاده می‌شود.

۵- یافته‌های تحقیق

با بررسی اولیه‌ای میزان محرومیت خانوارهای استان خوزستان در ابعاد مختلف که در ادبیات تحقیق ذکر شد، دو بعد اشتغال و مسکن به سه بعد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی اضافه شد. چون در بعد اشتغال و مسکن خانوارهای استان آسیب‌پذیر بودند و از فرم تعدیل شده آلکایر فوستر برای استان خوزستان استفاده شد.

ابعاد و مولفه‌های پژوهش حاضر در **جدول ۲** گزارش شده است. با توجه به رویکرد آلکایر فوستر وزن ابعاد به نسبت برابر و در هر بعد وزن مولفه‌ها نیز برابر توزیع شده است.

با توجه به آن که، دو بعد اشتغال و مسکن به شاخص‌های آلکایر فوستر (سلامت، آموزش و استانداردهای زندگی) اضافه شده، لذا برای هر بعد وزن ۰/۲۰ در نظر گرفته شده است. همه بعدها به جز بعد استانداردهای زندگی (دارای ۴ مولفه)، دارای دو مولفه هستند.

جدول ۲. ابعاد، مؤلفه‌ها و وزن آن‌ها در فقر چند بعدی (پژوهش حاضر با تعدیل روش آلکایر و فوستر)
مآخذ: پژوهش حاضر

Table 2. Dimensions, components, and their weight in multidimensional poverty (This study modifies the Alkire and Foster method)
Source: This study

بعد	وزن	مؤلفه	وزن
سلامت	۰/۲۰	سوءتغذیه	۰/۱۰
		برخوردارنبودن از بیمه درمان	۰/۱۰
آموزش	۰/۲۰	خانوارهای دارای عضو کمتر از پنج سال تحصیل	۰/۱۰
		خانوارهای دارای کودک شش تا ۱۸ سال کمتر از هشت کلاس سواد (متناسب با سن)	۰/۱۰
مسکن	۰/۲۰	مصالح بی‌دوام	۰/۱۰
		سطح زیربنای کمتر از ۱۶ مترمربع	۰/۱۰
استانداردهای زندگی	۰/۲۰	دسترسی‌نداشتن به آشپزخانه	۰/۵
		دسترسی‌نداشتن به آب و برق و گاز (با لحاظ کیفیت و قطعی و وصلی)	۰/۵
		نداشتن حمام	۰/۵
		نداشتن دارایی مانند اتومبیل، دوچرخه و...	۰/۵
اشتغال	۰/۲۰	سرپرست بیکار	۰/۱۰

		نداشتن بیمه اجتماعی	۰/۱۰

با توجه به ابعاد ۵ گانه، شاخص نسبت سرشمار (نرخ فقر) برای استان خوزستان و کشور تحلیل می‌شود و سپس، شدت فقر و شاخص فقر چند بعدی در استان خوزستان در دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ محاسبه و با فقر چند بعدی ۱۳۹۵ کل کشور که با همین ابعاد بدست آمده است، مقایسه می‌گردد.

۱-۵- سلامت

با توجه به نتایج در **جدول ۳** در سال ۱۳۹۵ میزان آسیب‌پذیری خانواده‌های خوزستانی در بعد سلامت ۳۸ درصد می‌باشد و این در حالی است که در کل کشور ۳۵ درصد در بعد سلامت آسیب‌پذیرند. در سال ۱۳۹۰ میزان مولفه سوءتغذیه ۱۶ درصد و عدم دسترسی به بیمه سلامت ۲۴ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ این میزان افزایش یافته است به‌طوری که مؤلفه سوءتغذیه از ۱۶ درصد به ۱۸ درصد افزایش یافته و افراد بیشتری در استان خوزستان دچار سوءتغذیه هستند و عدم دسترسی به بیمه سلامت با ۱درصد افزایش به ۲۵ درصد رسیده است.

جدول ۳. وضعیت مولفه‌ها و نسبت سرشمار بعد سلامت (درصد)
مآخذ: محاسبات پژوهش

Table 3. Status of components and the ratio of the health census (percentage)
Sources: Research calculations

بعد سلامت	کل کشور	خوزستان	
	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
بدون آسیب‌پذیری	۶۵	۶۴	۶۲
آسیب‌پذیر در یک بعد	۳۱	۳۲	۳۳
آسیب‌پذیر در هر دو بعد	۴	۴	۵
سوءتغذیه	۱۶	۱۶	۱۸
عدم دسترسی به بیمه سلامت	۲۳	۲۴	۲۵
نسبت سرشمار بعد سلامت	۳۵	۳۶	۳۸

۲-۵- آموزش

همانگونه که در **جدول ٤** مشاهده می‌شود، میزان فقر آموزشی در سال ۱۳۹۵ در استان خوزستان حدود ۲/۹ درصد است. خانوارهایی که همه اعضای آن زیر ۵ کلاس سواد دارند در سال ۱۳۹۰ به میزان ۱/۱ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۰/۰۹ درصد به میزان کمی کاهش یافته است. همچنین وجود کودک زیر ۱۸ سال که کمتر از ۹ کلاس سواد دارند در سال ۱۳۹۰ میزان ۲/۳ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۲/۴ درصد افزایش یافته است.

جدول ٤. وضعیت مولفه‌ها و نسبت سرشمار بعد آموزش (درصد)
مآخذ: محاسبات پژوهش

Table 4. Status of components and census ratio after training (percentage)
Sources: Research calculations

بعد آموزش	کل کشور	خوزستان	
	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
بدون آسیب‌پذیری	۹۸٫۵	۹۷٫۱	۹۷٫۱
آسیب‌پذیر در یک بعد	۱٫٤	۲٫۴	۲٫۵
آسیب‌پذیر در هر دو بعد	۰٫۱	۰٫۵	۰٫٤۰
همه اعضای خانوار زیر پنج کلاس سواد دارند	۰٫۸	۱٫۱	۰٫۹
وجود کودک زیر ۱۸ سال کمتر از ۹ کلاس سواد	۰٫۸	۲٫۳	۲٫۴
نسبت سرشمار بعد آموزش	۱٫۵	۲٫۹	۲٫۹

۳-۵- مسکن

همانگونه که در **جدول ۵** ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۹۵ حدود ۲۷ درصد از مردم خوزستان از نظر تأمین مسکن در وضعیت مطلوبی هستند این شاخص برای کل کشور ۲۲ درصد است. خانوارهایی که در استان، مسکن بادوامی ندارند در سال ۱۳۹۰، ۶/۵ درصد بوده اند که در سال ۱۳۹۵ با ۲/۵ درصد افزایش به عدد ۸/۵ درصد رسیده است همچنین تعداد خانواده‌هایی که دارای مسکن کمتر از ۱۶متر زیربنای سرانه دارند در سال ۱۳۹۰، ۲۲درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ با ۰/۵ درصد افزایش به عدد ۲۲/۵ درصد رسیده است.

جدول ۵. وضعیت مولفه‌ها و نسبت سرشمار بعد مسکن (درصد)
مآخذ: محاسبات پژوهش

Table 5. Status of components and housing census ratio (percentage)
Sources: Research calculations

بُعد مسکن	کل کشور	خوزستان	
	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
بدون آسیب‌پذیری	۷۸	۷۴٫۵	۷۳
آسیب‌پذیر در یک بعد	۲۰٫۲	۲۲٫۵	۲۳
آسیب‌پذیر در هر دو بعد	۱٫۸	۳	٤
مسکن بی‌دوام	۵	۶٫۵	۸٫۵
مسکن کمتر از ۱٦ متر زیربنای سرانه	۱۸٫۸	۲۲	۲۲٫۵
نسبت سرشمار بعد مسکن	۲۲	۲۵٫۵	۲۷

۴-۵- اشتغال

براساس **جدول ٦**، ۵۱ درصد از مردم خوزستان از نظر اشتغال در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. میزان نداشتن بیمه تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۰، ٤۳ درصد بوده که با ۲درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ٤۵ درصد رسیده است. همچنین میزان بیکاری سرپرست خانوار در سال ۱۳۹۰، ۱۱ درصد بوده که با ۰/٤ درصد افزایش، در سال ۱۳۹۵ به ۱۱/٤ درصد رسیده است که نشان‌دهنده وخیم تر شدن وضعیت اشتغال در استان خوزستان است. نسبت سرشمار بعد اشتغال در کشور ٤۰ درصد است که اهم آن به دلیل نداشتن پوشش بیمه‌های اجتماعی است.

جدول ٦. وضعیت مولفه‌ها و نسبت سرشمار بعد اشتغال (درصد)
مآخذ: محاسبات پژوهش

Table 6. Status of components and employment-related census ratio (percentage)
Sources: Research calculations

بعد اشتغال	کل کشور	خوزستان	
	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
بدون آسیب‌پذیری	٦۰	۵۱	٤۹
آسیب‌پذیر در یک بعد	۳٦	۴۴	۶.٤۵
آسیب‌پذیر در هر دو بعد	۳	۵	۵٫٤
نداشتن پوشش بیمه اجتماعی	۳۳	۴۳	۴۵

بیکاری سرپرست خانوار	۱۰	۱۱	۱۱٫۴
نسبت سرشمار بعد اشتغال	۴۰	۴۹	۵۱

۵-۵- استانداردهای زندگی

همانگونه که در **جدول ۷** مشاهده می‌شود، در بعد استانداردهای زندگی در سال ۱۳۹۵، ۱۵ درصد خانوارهای استان خوزستان دچار محرومیت هستند. این وضعیت نسبت به متوسط کل کشور (۸ درصد) بسیار نامناسب‌تر است. وضعیت فقر استانداردهای زندگی خانوارهای استان خوزستان نسبت به سال ۱۳۹۰، دو درصد بدتر شده است. در سال ۱۳۹۰ میزان دسترسی نداشتن به آشپزخانه ۲ درصد، دسترسی نداشتن به آب و برق و گاز ٦/۹ درصد، نداشتن حمام ۲/۳ درصد، نداشتن دارایی مانند اتومبیل، دوچرخه و ...٤/۷ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ در همه ابعاد شاهد افزایش این میزان بوده‌ایم به گونه‌ای که دسترسی نداشتن به آشپزخانه ۲/٤ درصد، دسترسی نداشتن به آب و برق و گاز ۷/۷ درصد، نداشتن حمام ۲/۷ درصد، نداشتن دارایی مانند اتومبیل، دوچرخه و ... ۵/۳ درصد است.

جدول ۷. وضعیت مولفه‌ها و نسبت سرشمار بعد استانداردهای زندگی (درصد)
مآخذ: محاسبات پژوهش

Table 7. Status of components and census ratio after living standards (percentage)
Sources: Research calculations

بعد استانداردهای زندگی	کل کشور	خوزستان	
	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
بدون آسیب‌پذیری	۹۲	۸۷	۸۵
آسیب‌پذیر در یک بعد	٤٫۸	۱۰٫٦	۱۱٫۹
آسیب‌پذیر در دو بعد و بالاتر	۳٫۲	۲٫۹	۳٫۱
دسترسی‌نداشتن به آشپزخانه	۲	۲	۲٫۴
دسترسی‌نداشتن به آب تصفیه، برق و گاز (با لحاظ کیفیت و قطعی و وصلی)	۲٫۲	۶٫۹	۷٫۷
نداشتن حمام	۲٫۵	۲٫۳	۲٫۷
نداشتن دارایی مانند اتومبیل، دوچرخه و...	۴٫۵	٤٫۷	۵٫۳
نسبت سرشمار بعد استانداردهای زندگی	۸	۱۳	۱۵

۵-۶- شاخص نسبت سرشمار، شدت فقر و شاخص فقر چند بعدی استان خوزستان در مقایسه با کل کشور

در **جدول ۸** شدت فقر در هر کدام از ابعاد ۵ گانه و شاخص فقر چند بعدی برای سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ خوزستان ارائه شده است که به ترتیب به توضیح آن، برای هر بعد پرداخته می‌شود.

۵-۶-۲- شدت فقر در سلامت

اندازه فقر در بعد سلامت در سال ۱۳۹۰ به میزان ۳۶ درصد بوده که این میزان با ۲ درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۳۸ درصد رسیده است.

شدت فقر در سال ۱۳۹۰ به میزان ۳۸ درصد بوده که این میزان با یک درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۳۹ درصد رسیده است. پس به عبارتی می‌توان گفت افرادی که دچار فقر در بعد سلامت هستند نسبت به سال ۱۳۹۰ فقیرتر شده‌اند، که نشان‌دهنده شدیدتر شدن عدم دسترسی به تغذیه مناسب و کاهش میزان برخورداری از بیمه‌های درمانی در استان نسبت به سال ۱۳۹۰ است.

شاخص فقر چندبعدی نیز در این بعد در سال ۱۳۹۰ برابر با ۰/۱۴ بود که با ۱صدم افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۰/۱۵ رسیده است.

جدول ۸. نسبت سرشمار، شدت فقر و شاخص فقر چند بعدی استان خوزستان
مآخذ: محاسبات پژوهش

Table 8. Ratio of census, poverty intensity, and multidimensional poverty index of Khuzestan Province
Source: Research calculations

شاخص	نسبت سرشمار (H)		شدت فقر (A)		شاخص فقر چند بعدی (MPI)	
	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
سلامت	۳۶	۳۸	۳۸	۳۹	۰٫۱۴	۰٫۱۵
آموزش	۲٫۹	۲٫۹	۲۷	۲۹	۰٫۰۱	۰٫۰۱
مسکن	۲۵/۵	۲۷	۳۷	۳۸	۰٫۰۹	۰٫۱۰
استانداردهای زندگی	۱۳	۱۵	۳۹	۳۸٫۶	۰٫۰۵	۰٫۰۶
اشتغال	۴۹	۵۱	۳۱	۲۹	۰٫۱۵	۰٫۱۵
کل فقر چند بعدی	۲۵	۲۸	۳۴٫۴	۳۴٫۷	۰٫۰۹	۰٫۱۰

۳-۶-۵- شدت فقر در آموزش

اندازه فقر در بعد آموزش در سال ۱۳۹۰ به میزان ۲/۹ درصد بوده که این میزان در سال ۱۳۹۵ نیز همان ۲/۹ درصد و ثابت بوده است.

شدت فقر در آموزش در سال ۱۳۹۰ به میزان ۲۷ درصد بوده که این میزان با ۲ درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۲۹ درصد رسیده است که نشان‌دهنده این است که افرادی که دچار فقر در بعد آموزش هستند نسبت به سال ۱۳۹۰، ۲ درصد فقیرتر شده‌اند.

شاخص فقر چندبعدی در این بعد در سال ۱۳۹۰ برابر با ۰/۰۱ بود که این میزان در سال ۱۳۹۵ ثابت و برابر با ۰/۰۱ بوده است.

۴-۶-۵- شدت فقر در مسکن

اندازه فقر در بعد مسکن در سال ۱۳۹۰ به میزان ۲۵/۵ درصد بوده که این میزان با ۱/۵ درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۲۷ درصد رسیده است.

شدت فقر در بعد مسکن در سال ۱۳۹۰ به میزان ۳۷ درصد بوده که این میزان با ۱ درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۳۸ درصد رسیده است و نشان‌دهنده این است افراد نسبت به سال ۱۳۹۰ فقیرتر شده‌اند.

شاخص فقر چندبعدی در این بعد در سال ۱۳۹۰ برابر با ۰/۰۹ بوده که با ۰/۰۱ افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۰/۱۰ رسیده است.

۵-۶-۵- شدت فقر در اشتغال

اندازه فقر در بعد اشتغال در سال ۱۳۹۰ به میزان ۴۹ درصد بوده که این میزان با ۲ درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۵۱ درصد رسیده است.

شدت فقر در بعد اشتغال در سال ۱۳۹۰ به میزان ۳۱ درصد بوده که این میزان در سال ۱۳۹۵ با ۲ درصد کاهش به ۲۹ درصد رسیده است و به عبارتی نسبت به سال ۱۳۹۰، از شدت فقر در این بعد کاسته شده است.

شاخص فقرچندبعدی در این بعد در سال ۱۳۹۰ برابر با ۰/۱۵ بوده که این میزان در سال ۱۳۹۵ ثابت بوده و برابر با ۰/۱۵ بوده است.

دانشگاه شهید چمران اهواز
فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری (بررسی های اقتصادی سابق)

۵-۶-۶- شدت فقر در استانداردهای زندگی

اندازه فقر در بعد استانداردهای زندگی در سال ۱۳۹۰ به میزان ۱۳ درصد بوده که این میزان با ۲درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۱۵ درصد رسیده است.

شدت فقر در سال ۱۳۹۰ به میزان ۳۹ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ با ۰/۴ درصد کاهش به ۳۸/۶ درصد رسیده است که نشان‌دهنده این است که افرادی که دچار فقر در بعد استانداردهای زندگی هستند نسبت به سال ۱۳۹۰، شدت فقر آن‌ها کمی کاهش یافته است.

شاخص فقرچند بعدی در این بعد در سال ۱۳۹۰ برابر با ۰/۰۵ بوده که با ۰/۰۱ افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۰/۰۶ رسیده است.

۵-۶-۷- نسبت سرشمار کل و شدت فقر چند بعدی استان خوزستان

اندازه فقر در استان خوزستان در سال ۱۳۹۰ به میزان ۲۵ درصد بوده که با ۳ درصد افزایش در سال ۱۳۹۵ به ۲۸ درصد رسیده است.

شدت فقر در سال ۱۳۹۰ به میزان ۳۴/۴ درصد بوده که با ۰/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۳۴/۷ درصد رسیده است که نشان‌دهنده افزایش شدت فقر در ابعاد مورد بررسی ما در این پژوهش است.

شاخص فقر چند بعدی نیز در سال ۱۳۹۰ برابر با ۰/۰۹ بوده که با ۰/۰۱ در سال ۱۳۹۵ به ۰/۱۰ افزایش یافته است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی شاخص‌های فقر چند بعدی در استان خوزستان با استفاده از تعدیل روش آلکایر و فوستر و در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ پرداختیم. نتایج این پژوهش نشان داد که مردم استان در دو بعد اشتغال و سلامت دارای محرومیت بیشتری نسبت به سایر ابعاد هستند. وضعیت استان نسبت به کشور نامطلوب‌تر است و فقر چند بعدی در استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ افزایش داشته است. این افزایش در بعدهای سلامت، مسکن و استانداردهای زندگی بوده است. در مجموع، در دو بعد آموزش و اشتغال وضعیت همانند سال ۱۳۹۰ است. مهمترین مولفه‌های فقر در بعد سلامت، عدم دسترسی به بیمه سلامت؛ در بعد مسکن، سرانه متراژ مسکن کمتر از ۱۶ متر مربع؛ در بعد اشتغال، عدم پوشش بیمه‌های اجتماعی شاغلین و در بعد استانداردهای زندگی، کیفیت پایین

دسترسی به آب تصفیه شده، گاز و برق و نداشتن دارایی‌هایی مثل وسایل دوچرخه و وسایل موتوری است. در عین حال سوء تغذیه در بعد سلامت نیز دارای محرومیت بالایی است و یا بیکاری سرپرست خانوار در بعد اشتغال نیز به فقر اشتغال افزوده است. خوزستان در بعد اشتغال و در مولفه نداشتن بیمه‌های اجتماعی مشکل اساسی دارد. برای اینکه فقر در بعد اشتغال کاهش بیابد نیازمند این است که بیمه‌های اجتماعی به شاغلان تعلق بگیرد که در گرو کاهش بخش غیررسمی و اشتغال غیر رسمی و تبدیل آن به اشتغال رسمی است که بیمه به همه شاغلان تخصیص یابد. خوزستان هم به مانند کل کشور از بخش غیر رسمی بزرگ رنج می‌برد. شناسایی مسکن‌های با مصالح بی دوام و نوسازی و مقاوم سازی آنها با توجه به حمایت‌ها، تسهیلات و سیاستگذاری متناسب، می‌تواند به کاهش فقر مسکن در خوزستان کمک کند اما سرانه متراژ پایین، مولفه‌ای نیست که در کوتاه مدت و میان مدت بر آن فائق شد و نیازمند افزایش درآمدهای پایدار سرانه خوزستانی‌هاست که در آینده بتوانند خانه‌های بزرگتری را داشته باشند. در بعد آموزش اندازه فقر پایین است و یکی از دلایل به تعریف مولفه های مورد استفاده و توسعه آموزش در ایران بر می‌گردد. از آن جایی که در بعد آموزش مولفه "همه اعضای خانوار زیر پنج کلاس سواد دارند" در رویکرد آلکایر فوستر در نظر گرفته شده، محرومیت در بعد آموزش پایین است. در ایران و در وضعیت کنونی شاید سرپرست خانوار باید حداقل دیپلم داشته باشد تا از این منظر فقیر تلقی شود و اگر این مولفه اصلاح گردد محرومیت در بعد آموزش نیز افزایش می‌یابد. در بعد استانداردهای زندگی و در مولفه آب و برق سطح محرومیت بالا است. با همه این اوصاف به داده‌های جزئی بیشتری نیاز است که فقر چند بعدی استان خوزستان رصد شود و خانوارهای محروم از ابعاد چندگانه مستقیما شناسایی و مورد حمایت یا توانمندسازی قرار گیرند. یافته‌های این پژوهش در فقر چند بعدی استان خوزستان نشان می‌دهد که نسبت سرشمار فقر چند بعدی در مقایسه با نسبت سرشمار فقر درآمدی در مطالعه افقه و قنواتی فر (۱۳۹۰) پایین تر است و این اشاره به یکی از مزیت‌های رویکرد فقر چند بعدی به رویکرد تک بعدی درآمدی دارد که فقط درآمد نمی‌تواند مبنای محرومیت قرار گیرد بلکه اگر فرد از قابلیت‌های لازم برخوردار باشد نمی‌توان ایشان را در زمره فقرا قرار داد، درآمد یک مولفه موقتی و پر نوسان است و اگرخانواری درآمد یک سال خود را از دست داد، نمی‌توان تصور کرد که یکباره به ورطه فقر افتاده باشد. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های سایر مطالعات در سطح کل

کشور (فطرس و قدسی (۱۳۹۶)، خلج و یوسفی (۱۳۹۳)، جلالی (۱۳۹۸)، مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶)) همسو است و در مولفه‌های یکسان نتایج همسو و در یک راستا هستند.

Acknowledgments: Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: This article is part of a master's thesis that was financially supported by the Vice Chancellor for Research of Shahid Chamran University of Ahvaz through Grant No. .....

References

Afghah, M., & Ghanavatifar, T. (2011). Poverty Line Estimation in Khuzestan Province (1997-2006). *Journal of economics and regional development, 18*(1), –. doi:10.22067/erd.v18i1.13680

Alkire, S., Conconi, A., Robles, G., Roche, J. M., Santos, M. E., Seth, S., & Vaz, A. (2016). The global multidimensional poverty index (MPI): 5-year methodological note. *OPHI Briefing, 37*.

Alkire, S., & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics, 95*(7-8), 476–487.

Alkire, S., Roche, J. M., Ballon, P., Foster, J., Santos, M. E., & Seth, S. (2015). *Multidimensional poverty measurement and analysis*: Oxford University Press, USA.

Asselin, L.-M. (2002). A composite indicator from multidimensional qualitative data. *Canadian Center for international studies and cooperation. October*.

Asselin, L.-M., & Anh, V. T. (2008). Multidimensional poverty and multiple correspondence analysis. In *Quantitative approaches to multidimensional poverty measurement* (pp. 80–103): Springer.

Barker, J. M. (1905). *The saloon problem and social reform*: Everett Press.

Blanchflower, D. G., & Oswald, A. J. (2004). Well-being over time in Britain and the USA. *Journal of Public Economics, 88*(7-8), 1359–1386.

Buhmann, B., Rainwater, L., Schmaus, G., & Smeeding, T. M. (1988). Equivalence scales, well-being, inequality, and poverty: sensitivity estimates across ten countries using the Luxembourg Income Study (LIS) database. *Review of Income and Wealth, 34*(2), 115–142.

Case, A., & Deaton, A. (2003). *Consumption, health, gender, and poverty* (Vol. 3020): World Bank Publications.

Clark, A. E., & Oswald, A. J. (1994). Unhappiness and unemployment. *The economic journal, 104*(424), 648–659.

Cohen, G. A. (1990). Equality of what? On welfare, goods and capabilities. *Recherches Économiques de Louvain/Louvain Economic Review, 56*(3-4), 357–382.

Danziger, S., Van der Gaag, J., Taussig, M. K., & Smolensky, E. (1984). The direct measurement of welfare levels: How much does it cost to make ends meet? *The review of Economics and Statistics*, 500–505.

Deutsch, J., & Silber, J. (2005). Measuring multidimensional poverty: An empirical comparison of various approaches. *Review of Income and Wealth, 51*(1), 145–174.

fotros, m. h., & ghodsi, s. (2017). Comparing Iranian Development Plans by Multidimensional Poverty Index Calculated by Alkire-Foster Method. *Economic Growth and Development Research, 7*(27), 45–64. Retrieved from https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article_3267_243f9149e92d03bb19e31d3913bf4f55.pdf [in Persian]

Frey, B. S., & Stutzer, A. (2002). What can economists learn from happiness research? *Journal of economic literature, 40*(2), 402–435.

Garner, T. I., & Short, K. S. (2004). Economic well-being based on income, consumer expenditures and personal assessments of minimum needs. In *Studies on economic well-being: Essays in the honor of John P. Formby* (pp. 319–361): Emerald Group Publishing Limited.

Goedhart, T., Halberstadt, V., Kapteyn, A., & Van Praag, B. (1977). The poverty line: Concept and measurement. *Journal of human resources*, 503–520.

Gustafsson, B., Shi, L., & Sato, H. (2004). Can a subjective poverty line be applied to China? Assessing poverty among urban residents in 1999. *Journal of International Development: The Journal of the Development Studies Association, 16*(8), 1089–1107.

Jafari, S., Momeni, F., Shakeri, A., & Raghfar, H. (2022). Multidimensional poverty in urban and rural areas of Iran assessed as an indicator of fair development. *The Journal of Economic Policy*, *13*(26), 315–337. doi:10.22034/epj.2022.17733.2283 [in Persian]

Javaheri, H., Hataminejad, H., Ziari, K., & Pour Ahmad, A. (2014). Fuzzy approach and multidimensional poverty zoning in urban spaces (Case study: Kamyaran city). *Regional Planning, 4*(13), 13–30. Retrieved

from https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article_383_f524adaeb46d81891b7d3a6c65200650.pdf [in Persian]

Kahneman, D., Diener, E., & Schwarz, N. (1999). *Well-being: Foundations of hedonic psychology*: Russell Sage Foundation.

Kapteyn, A., Kooreman, P., & Willemse, R. (1988). Some methodological issues in the implementation of subjective poverty definitions. *Journal of human resources*, 222–242.

Khalaj, S., & Yousefi, A. (2015). Mapping the Incidence and Intensity of Multidimensional Poverty in Iran Urban and Rural Areas. *The Journal of Spatial Planning and Geomatics*, *18*(4), 49–70. Retrieved from http://hsmsp.modares.ac.ir/article-21-1232-en.html

Kuepie, M., & Pamen, E. P. F. (2017). *An Application of the Alkire-Foster's Multidimensional Poverty Index to Data from Madagascar: Taking Into Account the Dimensions of Employment and Gender Inequality*. Retrieved from

Layard, R. (2011). *Happiness: Lessons from a new science*: Penguin UK.

Mansouri, S. A. (2024). Investigating the Effect of Sanctions on Casual Relationship between Corruption, Income Inequality and Poverty in Iran. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE), 21*(1), 171–201. doi:10.22055/jqe.2024.43224.2544 [in Persian]

Michael, R. T., & Citro, C. F. (1995). *Measuring poverty: A new approach*: National Academies Press.

Park, E. Y., & Nam, S. J. (2020). Multidimensional poverty status of householders with disabilities in South Korea. *International Journal of Social Welfare, 29*(1), 41–50.

Pradhan, M., & Ravallion, M. (2000). Measuring poverty using qualitative perceptions of consumption adequacy. *Review of Economics and Statistics, 82*(3), 462–471.

Raghfar, H., Mohammadifard, Z., & Sangari mohazab, K. (2013). The Measurement of Multidimensional Povertyin Tehran. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development), 13*(2), 1–16. Retrieved from http://ecor.modares.ac.ir/article-18-4983-en.html [in Persian]

Ravallion, M. (1998). *Poverty lines in theory and practice* (Vol. 133): World Bank Publications.

Ravallion, M., & Lokshin, M. (2002). Self-rated economic welfare in Russia. *European Economic Review, 46*(8), 1453–1473.

Rowntree, B. S. (1902). *Poverty: A study of town life*: Macmillan.

salem, a. a. (2018). Factors Affecting Multidimensional Poverty; a Panel Multilevel Approach. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, *26*(87), 7–46. Retrieved from http://qjerp.ir/article-1-2134-en.html [in Persian]

Senik, C. (2003). *What can we learn from subjective data? The case of income and well-being*. Retrieved from

Slottje, D. J. (1991). Measuring the quality of life across countries. *The review of Economics and Statistics*, 684–693.

Tella, R. D., MacCulloch, R. J., & Oswald, A. J. (2003). The macroeconomics of happiness. *Review of Economics and Statistics*, *85*(4), 809–827.

Townsend, P. (1979). *Poverty in the United Kingdom: a survey of household resources and standards of living*: Univ of California Press.

UN, E. (2016). *Multidimensional Poverty and its Measurement, Guide on Poverty Measurement*. Retrieved from

Van den Bosch, K. (2017). *Identifying the poor: Using subjective and consensual measures*: Routledge.

Van Praag, B., Goedhart, T., & Kapteyn, A. (1980). The poverty line--a pilot survey in Europe. *The review of Economics and Statistics*, 461–465.

Van Praag, B. M., & Frijters, P. (1999). The measurement of welfare and well-being: The Leyden approach. *Well-being: The foundations of hedonic psychology*, 413–433.

Van Praag, B. M., Spit, J. S., & Van de Stadt, H. (1982). A comparison between the food ratio poverty line and the Leyden poverty line. *The review of Economics and Statistics*, 691–694.

Yousefi, A., Asadi-Khoob, H., & Afshari, M. (2013). The Measurement of Multidimensional Poverty in Iran Nomads. *Agricultural Economics*, *7*(2), 47–67. Retrieved from https://www.iranianjae.ir/article_9261_d55fb534bc29bd9d3d92cb7f625c6419.pdf [in Persian]